

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر ارجمند جناب حجه الاسلام والمسلمين آقای منتظری

دادستان کل محترم

سلام علیکم

از آن جا که بر اساس ماده ۲۹۰ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ «دادستان کل کشور مکلف است در جرائم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی» از طریق مراجع ذیصلاح طرح دعوی نماید؛ همچنین بر اساس تبصره ۱ ماده ۲۸۸ همین قانون «چنانچه دادستان کل کشور در اجرای وظایف مقرر در این فصل و سایر وظایف قانونی خود، به موارد تخلف یا جرم برخورد نماید»، باید حسب مورد برای تعقیب قانونی مرتکبان تخلف یا جرم مذکور مراتب را به مراجع قضایی و اداری ذیربط اعلام کند و برای حفاظت از منافع و مصالح ملی مکلف به پیگیری است؛ حقایق مستند زیر به اطلاع جنابعالی میرسد. باشد که به همت شما و قضات با شرافت محاکم صالح منافع و مصالح ملی در این مورد به درستی حفظ گردد.

از یک سال و اندی پیش که وزارت نفت در صدد تبیین الگوی قراردادهای نفتی موسوم به IPC (قرارداد نفتی ایرانی = Iranian Petroleum Contracts) برآمد، دیده بان شفافیت و عدالت و جمع قابل توجهی از متخصصان ذیربط، از دانشگاهیان و خبرگان امر به نقد آن برخاستند. با اقبال دولت مصوبه اول دو بار دیگر اصلاح شد و بیشتر خطرات مهلك آن اصلاح گردید ولی در چند محور مهم دیگر خطرات همچنان باقی است.

مهم ترین ایراد باقی مانده مربوط به کمیته ای موسوم به کمیته مشترک مدیریت (JMC) است. طبق بند ۸ ماده ۸ مصوبه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز «در هر قرارداد کارگروه مشترک مدیریت قرارداد تشکیل می شود که نظارت بر کلیه عملیات طرح را بر عهده داشته و در تمام امور فنی، مالی و حقوقی در چارچوب قرارداد، واگذاری پیمان های دست دوم و نیز برنامه مالی عملیاتی سالانه تصمیم میگیرد. مسئولیت اجرای عملیات در چارچوب برنامه مالی عملیاتی مصوب بر عهده طرف خارجی قرارداد است. این کارگروه از تعداد مساوی نمایندگان طرف های اول و دوم قرارداد با حق رای مساوی تشکیل می گردد. تصمیمات این کارگروه به اتفاق آرا است و باید به تائید مقام مجاز در شرکت ملی نفت ایران برسد.» همان طور که مشاهده می شود مشخص نشده در صورت اختلاف در کمیته، مکانیزم حل اختلاف چیست و مصوبه در این خصوص سکوت کرده است. بروز اختلاف در این سطح بین کارفرما و پیمانکار بسیار محتمل است؛ به خصوص اینکه پیمانکار در دوره بهره برداری نیز حضور دارد. همچنین طبق ماده ۲ قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰، اعمال حاکمیت و مالکیت بر منابع نفتی به نمایندگی از حکومت اسلامی با وزارت نفت است. حال آن که سهم وزارت نفت در این موضوع به ۵۰ درصد تقلیل یافته است. بر این اساس هیچ حقی برای اعمال حاکمیت بر پیمانکار وجود ندارد؛ بنابراین در صورت

بروز اختلاف، ارجاع به دعاوی بین المللی صورت می گیرد و جدای از نتیجه داوری بین المللی برای جمهوری اسلامی، در تمام مدت مناقشه، عملیات متوقف می شود که به هیچ وجه این موضوع به خصوص در میادین مشترک، به صلاح کشور نیست.

ولی خطیرتر از ضوابط مذکور، عملکرد وزارت نفت، به ویژه وزیر نفت اولادری تحقیر شرکت ها و متخصصان ایرانی و تکریم شرکت های خارجی است؛ ثانیاً توجه بسیار ویژه به شرکت نفتی فرانسوی، توتال است.

وزیر نفت بارها با اعلام افزایش زمان و هزینه های پروژه هایی که در اختیار پیمانکاران ایرانی بوده است، سعی در تخریب این شرکت ها داشته است. حال آن که ایشان به خوبی مطلع بودند که اولاً انجام پروژه در شرایط تحریم قابل مقایسه با زمان عادی نیست و ثانیاً قیمت های نفت در زمان انجام پروژه ها توسط شرکت های ایرانی چندین برابر زمان وزارت ایشان شده بود و در صنعت نفت هزینه های پیمانکاری ارتباط مستقیمی با قیمت نفت دارد. بر این اساس مقایسه عملکرد شرکت های ایرانی در زمان تحریم با شرکت های خارجی نظیر توتال در شرایط عادی بی انصافی و ناعادلانه است. حال آن که شرکت های بین المللی نفتی نظیر توتال به محض وقوع تحریم ها تمامی فعالیت های خود را در کشور معلق کردند و حاضر به ادامه فعالیت در کشور نشدند. حال اگر در این شرایط همین شرکت های ایرانی در آن زمان نبودند، صنعت نفت در کارهای جاری خود به مشکل می خورد.

آقای زنگنه در حالی از توتال به عنوان شرکتی که در کمک به صنعت نفت ایران پیشرو بوده و از آن تشکر میکند که توتال بر اساس اسناد و مدارک تقدیمی سابقه ای کثیف و ضد منافع ایران دارد.

### سابقه فساد مالی در ارتباط توتال با ایران

طبق اسناد رسمی وزارت دادگستری ایالات متحده آمریکا که اخبار آن ها در معتبرترین رسانه های اقتصادی و نفتی منتشر شده است، توتال در سال ۲۰۱۳ میپذیرد که مبلغ ۳۹۸ میلیون دلار بپردازد تا بتواند اتهامات آمریکا را مبنی بر آن که این شرکت به یک صاحب منصب نفتی ایران برای انعقاد قراردادهای نفت و گاز پرداخت های غیرقانونی داشته است، حل و فصل کند. هم چنان که دادستان فرانسه اعلام کرد که در صدد تعقیب اتهامات مدیران ارشد این شرکت هستند.<sup>۱</sup> البته *de Margerie* که بیش از سه دهه سابقه مدیریت در توتال داشت و در فوریه ۲۰۰۷ به ریاست توتال برگزیده شد، درست یک ماه بعد از این انتصاب، رسماً تحت تحقیق و بازرسی قرار گرفت. اتهام وی سوءاستفاده از منابع و فساد در ارتباط با کارکنان دولت خارجی بود؛ به همین خاطر برای بازجویی دو روز در بازداشت به سر برد. غیر از او، دو تن دیگر از مدیران توتال نیز تحت تحقیق و پیگرد دستگاه قضاء فرانسه

<sup>۱</sup> May ۲۹ (Bloomberg) -- Total SA agreed to pay \$۳۹۸ million to settle U.S. allegations it made illegal payments to an Iranian official for oil and gas contracts as French prosecutors said they'll seek charges against the company's chief executive officer <http://www.bloomberg.com/news/articles/۲۰۱۳-۰۵-۲۹/total-agrees-to-pay-۳۹۸-million-to-settle-u-s-bribe-probe-۱-> خیرگزاری بلومبرگ ۲۹ مه ۲۰۱۳

قرار گرفتند. یک سال بعد، در ۲۵ نوامبر ۲۰۱۴، سخنگوی دادستان پاریس اعلام کرد توتال به اتهام پرداخت رشوه به یک مقام ایرانی به دادگاه می آید.<sup>۲</sup>

در بند ۱۱ سند رسمی ۱۴ صفحه ای به شماره کیفری ۲۳۹ ۱:۱۳CR از دادگاه ناحیه ویرجینیای شرقی که متضمن اطلاعات مربوط به نقض قوانین ضد فساد آمریکا به دست توتال است،<sup>۳</sup> چنین میخوانیم:

«*حدوداً از ماه مه سال ۱۹۹۵ (اردیبهشت - خرداد ۱۳۷۴) تا حدود نوامبر سال ۲۰۰۴ (آذر ۱۳۸۳) شرکت توتال (خواننده) در ناحیه شرقی ایالت ویرجینیا و سایر نقاط به طور غیرقانونی و عامداً و با علم و آگاهی با واسطه اول و دوم آگاهانه یا ناآگاهانه<sup>۴</sup> علیه ایالات متحده آمریکا از طریق تبانی، توطئه، مشارکت و موافقت مرتکب جرم شده است. به این معنا که عمداً از مکاتبات و ابزارها و واسطه های بازرگانی بین الدولی به نحو فاسدی در پیشبرد یک پیشنهاد، از پرداخت، تعهد بر پرداخت، و جواز پرداخت پول، پیشکش، هدیه، تعهد به دادن و جواز دادن هرچیز ارزشمند به مقامات خارجی بهره بگیرد و از پول یا شیء ارزشمند که بناست به مقامات خارجی پیشنهاد داده شده یا تعهد شود این مقاصد را داشته باشد: (۱) بر اقدامات و تصمیمات مقامات یاد شده در سمت رسمی آنها تأثیر بگذارد (۲) مقامات خارجی یاد شده را به فعل یا ترک فعلی تشویق کند که منجر به نقض تکالیف قانونی آنان شود. (۳) امتیاز غیر قانونی تحصیل کند، و (۴) مقامات خارجی یاد شده را تشویق کند که از نفوذ خود در دولت*

<sup>۲</sup> همان. همچنین در وال استریت جورنال ۲۵ نوامبر ۲۰۱۴ - <http://www.wsj.com/articles/france-to-prosecute-total-sa-over-iranian-contracts-in-the-1990s-1416940041>

FILED		
UNITED STATES DISTRICT COURT		
FOR THE EASTERN DISTRICT OF VIRGINIA		
Alexandria Division	2014 MAY 29 A 9 04	
CLEAR US DISTRICT COURT ALEXANDRIA, VIRGINIA		
UNITED STATES OF AMERICA	)	CRIMINAL NO. 1:13CR 239
v.	)	Count 1: 18 U.S.C. § 371
TOTAL, S.A.,	)	(Conspiracy to Violate of the Anti-Bribery
Defendant.	)	Provisions of the Foreign Corrupt Practices
	)	Act)
	)	Count 2: 15 U.S.C. §§ 78m(b)(2)(A),
	)	78m(b)(5), and 78ff(a)
	)	(Violation of the Books and Records Provision
	)	of the Foreign Corrupt Practices Act)
	)	Counts 3: 15 U.S.C. §§ 78m(b)(2)(B),
	)	78m(b)(5), and 78ff(a)
	)	(Violation of the Internal Controls Provision of
	)	the Foreign Corrupt Practices Act)
<b>INFORMATION</b>		
The United States charges:		
<b>General Allegations</b>		
At all times material to this Information, unless otherwise stated:		
1. The Foreign Corrupt Practices Act of 1977, as amended, Title 15, United		
States Code, Sections 78dd-1 et seq. (hereinafter the "FCPA"), prohibited certain classes		
of persons and entities from corruptly making payments to foreign government officials		

<sup>۴</sup> قید آگاهانه یا نا آگاهانه به واسطه های اول و دوم مقام نفتی رشوه خوار معطوف است.

خودشان و واسطه های آنها برای تاثیر گذاری بر اقدامات و تصمیمات دولت های یاد شده استفاده کنند، و همه این ها را به منظور کمک به شرکت توتال و سایرین برای به دست آوردن و حفظ کسب و کار یا هدایت آن به شرکت توتال و سایرین انجام دهند، عنوان پانزدهم کد ایالات متحده آمریکا بخش های *and (1)(a) ۱۷۸۵-۱(B)(۳)(a)* را نقض کرده اند.» (ص ۵-۶). یکبار دیگر به آن چهار هدف توتال از پرداخت رشوه نگاه کنید. پرداخت مزد خیانت خبیثانه یک مقام نفتی وطن فروش به ایران است چرا که سوءاستفاده از قدرت واگذار شده به وی، در جهت منافع شخصی و منافع سیاه بیگانگان بوده است. روابط فساد شکل گرفته در قالب قراردادهای مشاوره است:

«... توتال قرارداد مشاوره را با واسطه مشخص شده به وسیله مقام [نفتی سابق الذکر] منعقد کرد. در پی آن شرکت ملی نفت ایران قرارداد توسعه میدان سیری E و A را به توتال اعطاء کرد. . . . در ۱۹۹۷ در ارتباط با مذاکرات توتال با شرکت ملی نفت ایران برای توسعه بخشی از میدان گازی پارس جنوبی، توتال قرارداد مشاوره ای دیگری در جهت مقام مزبور، با واسطه دوم میبندد. بعد از مدتی در همان سال، قرارداد توتال با شرکت ملی نفت ایران، منعقد میگردد.»<sup>۵</sup>

در بندهای e و g مورد ۱۳ همین سند (صفحه ۷)، تدریجی بودن این رشوه ها عیان میشود. بند e مربوط به قرارداد توسعه میدان سیری A و E و بند g مربوط به قرارداد توسعه فازهای ۲ و ۳ میدان پارس جنوبی است: «e- بر اساس قرار داد جامع و قرارداد درخواست خدمات مشاوره به دستور مقام ایرانی شرکت توتال حدوداً شانزده میلیون دلار در خلال یک دوره دو سال و نیم به حساب معرفی شده به وسیله واسطه اول پرداخت کرده است.» «g- بر اساس این قراردادها به درخواست مقام ایرانی، شرکت توتال حدوداً چهل و چهار میلیون دلار در خلال یک دوره هفت ساله به حساب معرفی شده به وسیله واسطه دوم پرداخت کرده است.»

اما روش پرداخت چنان طراحی میشود که مقام خائن و زرپرست ایرانی انگیزه افزایش مبلغ قرارداد را به زیان ملت و به سود دشمن بیگانه داشته باشد و ارتباطش با بیگانه مفسد زیاده خواه تا آخر باقی بماند. این موضوع در قرارداد میدان سیری در بند C مورد ۱۴ (صفحه ۸) و در قرارداد میدان پارس جنوبی در بند m مورد ۱۴ (صفحه ۱۰) تصریح شده است:

«C- در دهم جولای ۱۹۹۵ یا حوالی همان تاریخ توتال بین المللی اولین درخواست خدمات مشاوره ادعایی را با واسطه اول اجرا می کند که طی آن توتال موافقت کرد: (۱) مبلغ ۶ میلیون دلار در خلال ۴۵ روز از اجرایی شدن قرارداد توسعه میدان های سیری A و E پرداخت کند. (۲) ۵۰۰ هزار دلار برای هزینه ها پرداخت کند، (۳) مبلغ

<sup>۵</sup> "... Total entered into a consultancy agreement with an intermediary designated by the official, and subsequently, NIOC awarded the Sirri A and E development contract to Total. . . . In ۱۹۹۷, in connection with negotiations with NIOC for a contract to develop a portion of the South Pars gas field, the official directed Total to enter into another consultancy agreement with a second intermediary. **Later that year**, Total entered into a development contract with NIOC related to the South Pars gas field", *FCPA/Anti-Bribery Alert Winter ۲۰۱۵*, pp: ۸۲ <http://www.hugheshubbard.com/PublicationDocuments/FCPA/۲۰Anti-Bribery/۲۰Alert/۲۰Winter/۲۰۲۰۱۵.pdf>

۲۵ میلیون دلار در چهار قسط جداگانه همزمان با رسیدن هزینه های سرمایه ای به میزان معین پرداخت کند، (۴) پرداخت های اضافی معادل پنج درصد کل هزینه های بالاتر از هزینه های سرمایه ای توافق شده در قرارداد، و (۵) پرداخت درصدی از کل فروش نفت و گاز بالاتر از یک قیمت معین.» (ص ۸) <sup>۶</sup>

در قرارداد پرداخت رشوه برای کسب امتیاز فاز ۲ و ۳ پارس جنوبی هم همین حيله بکار رفته است: <sup>۷</sup>

« m - در ۱۴ جولای ۱۹۹۷ یا حوالی آن، توتال بین المللی دومین درخواست خدمات مشاوره ادعایی را با واسطه دوم اجرا می کند که طی آن توتال می پذیرد: (۱) ۱۰ میلیون دلار طی ۹۰ روز پرداخت کند. (۲) مبلغ ۳۰ میلیون دلار در چهار قسط جداگانه همزمان با رسیدن هزینه های سرمایه ای به میزان معین پرداخت کند. (۳) حق مشاوره برابر یکی از این دو گزینه، هر کدام بیشتر است، پرداخت شود: الف. ۴ درصد کل هزینه های سرمایه ای بالاتر از هزینه های سرمایه ای توافق شده در قرارداد یا ب. ۶۰ میلیون دلار و (۴) ۱۰ میلیون دلار پرداخت اضافی یکجا.

c. On or about July 10, 1995, Total International executed the First Consulting Services Request with Intermediary One under which TOTAL agreed to pay (1) \$6 million within forty-five days of the execution by TOTAL of a contract to develop the Sirri A and E oil fields; (2) \$500,000 for expenses; (3) a fee of \$25 million to be paid in separate quarterly installments as capital expenditures reached specified levels; (4) additional payments equal to 5% of total expenditures above the capital expenditures agreed to in the contract; and (5) a percentage of all sales of oil and gas above a certain price.

<https://www.justice.gov/sites/default/files/criminal-fraud/legacy/2013/06/12/2013-05-29-total-information-filed.pdf>, pp ۸

m. On or about July 14, 1997, at the direction of the Iranian Official, Total International and Intermediary Two executed the Second Consulting Services Request under which TOTAL agreed to pay (1) \$10 million within 90 days; (2) a fee of \$30 million to be paid in separate quarterly installments as capital expenditures reached specified levels; (3) a consulting fee equal to the greater of (i) 4% of total capital expenditures above the capital expenditures provided in the development contract, or (ii) \$60 million; and (4) an additional \$10 million lump sum payment.

<https://www.justice.gov/sites/default/files/criminal-fraud/legacy/2013/06/12/2013-05-29-total-information-filed.pdf>, pp ۱۰

همچنین در مورد ۱۴ همین سند، بند های e, g, k, o, p, q, r, s و t جزئیات پرداخت های صورت گرفته، زمان و محل حساب های مبدا و مقصد را نشان داده و در بند u مورد ۱۴ عنوان می شود که در بازه زمانی ۱۰ جولای ۱۹۹۵ تا نوامبر ۲۰۰۴، در مجموع توتال حدود ۶۰ میلیون دلار به فرد مورد نظر رشوه پرداخت کرده است. در سند دیگری مربوط به «کمسیون ارز و اوراق بهادار»<sup>۸</sup>، درباره زمانها با دقت بیشتری اطلاعات میدهد:

قبل از اجرایی شدن قرارداد توسعه میدان سیری A و E با شرکت ملی نفت ایران، در اواخر ماه مه ۱۹۹۵ (اواخر اردیبهشت یا اوائل خرداد ۱۳۷۴) ملاقات بین توتال و مقام ایرانی برای توافق ادعایی مشاوره، صورت میگیرد تا وی با اعمال نفوذ، امضای شرکت ملی نفت را برای میدان سیری بگیرد(بند ۶). در ۱۳ جولای (۴ مرداد ۱۳۷۴) امضای قرارداد اعلام میشود.(بند ۸). ۳ روز پیش از اعلام امضای قرارداد، مورخ ۱۰ جولای (۱ مرداد ۱۳۷۴) یک شرکت تابع توتال که در جزایر برمودا به ثبت رسیده بود، برای پرداخت رشوه با واسطه اول قرارومدار میگذارد(بند ۹). در همان روز، نخستین پرداخت به مبلغ ۵۰۰ هزار دلار از بانکی آمریکایی در نیویورک، به حسابی در بانک سوئیس واریز میگردد(بند ۱۰). در بند ۱۲ تا ۱۵ همین سند فرایند مشابه برای قرارداد پارس جنوبی شرح داده میشود: توتال با پرداخت اولیه در اداء اعمال نفوذ مقام ایرانی برای کسب مصوبه شرکت ملی نفت ایران در خصوص واگذاری فاز ۲ و ۳ پارس جنوبی، به مبلغ ۱۰ میلیون دلار در ۱۲ ژوئن ۱۹۹۷ (۴ تیر ۱۳۷۶) موافقت میکند. پرداخت به واسطه دوم(یک شرکت با مسئولیت محدود، مستقر در جزایر مستعمراتی ویرجین انگلستان در دریای کارائیب) در ۱۳ جولای ۱۹۹۷ (۴ مرداد ۱۳۷۶) صورت میگیرد. و بالاخره در ۲۸ سپتامبر(۱۹ مهر ۱۳۷۶) یا حوالی آن، قرارداد توتال با شرکت نفت امضاء میگردد.

در بند ۷ سند قبلی(پاورقی ۷)، مقام ایرانی را چنین معرفی میکند: «مقام ایرانی رئیس یک شرکت مهندسی بود که بیش از ۹۰ درصد آن در مالکیت دولت ایران و عمدتاً تحت کنترل دولت بوده است. از اوایل سال ۲۰۰۱، مقام ایرانی [با تغییر مسئولیت] رئیس یک سازمان ایرانی مرتبط با مصرف سوخت بوده که کلاً در مالکیت دولت

UNITED STATES OF AMERICA Before The SECURITIES AND EXCHANGE COMMISSION	
SECURITIES EXCHANGE ACT OF 1934 Release No. 69654 / May 29, 2013	
ACCOUNTING AND AUDITING ENFORCEMENT Release No. 3461 / May 29, 2013	
ADMINISTRATIVE PROCEEDING File No. 3-15338	
In the Matter of  TOTAL, S.A.,  Respondent.	x : ORDER INSTITUTING : CEASE-AND-DESIST : PROCEEDINGS PURSUANT : TO SECTION 21C OF THE : SECURITIES EXCHANGE : ACT OF 1934, MAKING : FINDINGS, AND IMPOSING : A CEASE-AND-DESIST : ORDER

<https://www.sec.gov/litigation/admin/2013/34-69654.pdf>

و یکی از شرکت های تابعه شرکت ملی نفت ایران است و در عین حال مشاور دولتی یکی از مقامات عالی رتبه ایرانی بود.» (ص ۴).<sup>۹</sup>

تحقیق مقامات قضایی و بورسی آمریکا در سال ۲۰۰۶ آغاز شد. ۷ سال بعد، در ۲۹ ماه مه ۲۰۱۳، توتال و وزارت دادگستری آمریکا موافقتنامه تعویق پیگرد قانونی (Deferred Prosecution Agreement) را امضاء کردند. این موافقتنامه که در جرائم مربوط به یقه سفیدان رایج است، به متهم اجازه میدهد با قبول ارتکاب جرم و پذیرش مجازات، خود را از دردسرهای قضایی و تبعات پرهزینه فرایند طولانی رسیدگی و صدور حکم، برهاند و قضیه را فیصله دهد.<sup>۱۰</sup> در این سند ۱۶ صفحه ای که ۲۹ صفحه پیوست دارد آمده است: «توتال اذعان و اعتراف میکند و میپذیرد» ... که دادگستری آمریکا او را به سه جرم کیفری متهم کرده است: (۱) توطئه برای نقض مقررات ضد

7. The Iranian Official was the Chairman of an Iranian engineering company that was more than 90% owned by the Government of Iran and substantially controlled by the Government of Iran. From at least early 2001, the Iranian Official was the head of an Iranian organization concerned with fuel consumption, which was a wholly owned subsidiary of NIOC, and was a government advisor to a high-ranking Iranian official. The Iranian engineering company and Iranian organization were agencies and instrumentalities of the Government of Iran, and thus the Iranian Official was a "foreign official" within the meaning of the FCPA, Title 15, United States Code, Section 78dd-1(f)(1)(A).

<https://www.justice.gov/criminal/fraud/fcpa/cases/totalsa/2013-05-29-total-information-filed.pdf> pp: ۴

FILED

UNITED STATES DISTRICT COURT  
FOR THE EASTERN DISTRICT OF VIRGINIA  
Alexandria Division

MAY 29 A 9 04  
U.S. DISTRICT COURT  
ALEXANDRIA, VIRGINIA

UNITED STATES OF AMERICA )  
)  
)  
v. ) Criminal No. 1:13 CR 239  
)  
TOTAL, S.A., )  
)  
Defendant. )

**DEFERRED PROSECUTION AGREEMENT**

Defendant Total S.A. ("Total"), by its undersigned attorneys, pursuant to authority granted by Total's Board of Directors, and the United States Department of Justice, Criminal Division,

<https://www.justice.gov/iso/opa/resources/9392013029102746998024.pdf>

رشوه FCPA (قانون اقدامات فسادآمیز خارجی = **FCPA=Foreign Corruption Practices Act**)، ۲) نقض مقررات FCPA در کنترل و نظارت داخلی و ۳) نقض مقررات FCPA در ثبت و نگهداری دفاتر مالی. برای حل و فصل این دعاوی موافقتنامه امضا میشود.

بر اساس آن توتال جریمه مالی را میپذیرد، در عین حال قبول میکند برای مدت سه سال دیده بانی متخصصی را که آمریکا از بین خبرنگاران ذریبط معرفی شده از طرف توتال، انتخاب میکند، تحمل کند و کل هزینه تمام توصیه های او را برای شفاف شدن سیستم حسابداری خود انجام دهد. برای این مقصود «توتال تمام اطلاعات واقعی را صادقانه برملا میسازد» (جزء a صفحه ۴).

توتال اظهار میکند که برنامه اخلاقی و انطباق را برای پیشگیری از نقض مجدد مقررات FCPA و مقررات ضد فساد حقوق فرانسه همچنان ادامه خواهد داد (بند ۸ صفحه ۷). ریز ارقام، دفعات و مبداء و مقصد رشوه ها مبسوط تر از سند پیشین، در پیوست A این سند آمده است. توتال در این موافقتنامه دهها تعهد میسپارد.

سرانجام پس از سه سال که توتال به تأیید دیده بان به تمامی تعهداتش به درستی عمل کرد، بر اساس بند ۱۵ موافقتنامه تعویق پیگرد قانونی، دادگستری آمریکا برای رفع سوء اثر و نادیده انگاشتن اطلاعات دال بر ارتکاب جرم توتال اقدام کرد.<sup>۱۱</sup> و با صدور دستور رسمی پرونده خاتمه یافت.<sup>۱۲</sup> اما پس از پرداخت چند صد میلیون جریمه

Case 1:13-cr-00239-LO Document 5 Filed 11/04/16 Page 1 of 4 PageID# 63

UNITED STATES DISTRICT COURT  
FOR THE EASTERN DISTRICT OF VIRGINIA  
Alexandria Division

UNITED STATES OF AMERICA )  
)  
v. )  
) Criminal No. 1:13-cr-239  
TOTAL, S.A., )  
)  
Defendant. )

<sup>۱۱</sup> **UNITED STATES' MOTION TO DISMISS CRIMINAL INFORMATION**

[http://globalinvestigationsreview.com/digital\\_assets/2af912ec-a6b9-4daf-bd94-8fcaca5146eb/totaldpadissmissal.pdf](http://globalinvestigationsreview.com/digital_assets/2af912ec-a6b9-4daf-bd94-8fcaca5146eb/totaldpadissmissal.pdf)

[http://globalinvestigationsreview.com/digital\\_assets/2af912ec-a6b9-4daf-bd94-8fcaca5146eb/totaldpadissmissal.pdf](http://globalinvestigationsreview.com/digital_assets/2af912ec-a6b9-4daf-bd94-8fcaca5146eb/totaldpadissmissal.pdf)



نقدی، اجرای یک برنامه گسترده انطباق و بعد از آن که دیده بانی مستقلی، با هزینه خودش بر او تحمیل شد و تمام دستورات دیده بان را به ناچار پذیرفت و به دلیل آن که اعلام شد که بین ۱۰ کشور رشوه دهنده و قانون شکن رتبه پنجم را اشغال کرده بود، و به دلیل بازداشت رئیس و دو مدیر دیگرش در فرانسه، حیثیتش آسیب دید، توانست از این محاصره رهایی یابد.

ماجرای این فضاحت توتال و آن خیانت مقام نفتی ایرانی، در دهها سایت و رسانه معتبر اقتصادی و نفتی منتشر شده است. از جمله:

UNITED STATES DISTRICT COURT  
FOR THE EASTERN DISTRICT OF VIRGINIA

Alexandria Division

UNITED STATES OF AMERICA )

v. )

TOTAL, S.A., )

Defendant. )

Criminal No. 1:13-cr-239

**ORDER**

Presently pending before this Court is the United States' Motion to Dismiss Criminal

۱. شرکت شرمن و استرلینگ، شرکتی با ۱۴۰ سال سابقه ارائه مشاوره در زمینه انرژی به سازمان های مالی، شرکت ها، دولتها و سازمانهای دولتی.<sup>۱۳</sup>

۱۳

FCPA Digest | January 2015 514

---

SHEARMAN & STERLING LLP

---

**F. Ongoing Investigations Under the FCPA**

**3. Total, S.A.  
Norsk Hydro ASA**

**Background.** Total, S.A., a French company and U.S. issuer, explores for, develops, and produces crude oil and natural gas. Total also refines and markets oil and trades and transports both crude oil and finished products. Norsk Hydro ASA, a Norwegian company, is a producer of oil and gas and is the third largest supplier of aluminum in the world.

**The Investigation.** According to press reports, the SEC has asked Total SA and Norsk Hydro ASA to disclose any commissions that may have been paid to government officials during the course of business in Iran. These inquiries are part of a general inquiry by the SEC into activities of oil companies in Iran between December 2004 and February 2005. Under the Iran and Libya Sanctions Act of 1996, the SEC monitors activities of companies engaged in business in Iran to ensure that anti-corruption regulations have not been violated. As of an SEC filing dated April 2006, Total SA disclosed that the SEC has issued a non-public formal order directing a private investigation into certain oil companies (including, among others, Total SA) in connection with their pursuit of business in Iran. Press reports in April 2007 stated that the U.S. investigation into Total also extended into its operations in Iraq under the U.N. Oil-for-Food Program and that the authorities intended to interview the chief executive of Total.

In May 2013, Total settled the allegations by entering into a three-year deferred prosecution agreement with the DOJ and receiving a cease-and-desist order from the SEC.

<http://www.shearman.com/~media/Files/NewsInsights/Publications/۲۰۱۵/۰۱/Recent-Trends-and-Patterns-FCPA-Digest-FCPA-LT-۰۱۰۵۱۵.pdf>

**B. Foreign Bribery Criminal Prosecution Under the FCPA**

**143. United States v. Total, S.A. (E.D. Va. 2013)<sup>29</sup>**

**Nature of the Business.** Total, S.A. is a French corporation that explores for and develops oil and gas resources worldwide. Its American Depository Shares are registered with the SEC and listed on the New York Stock Exchange.

**Business Location.** Iran.

**Payment.**

- 1. Amount of the value.** Approximately \$60 million.
- 2. Amount of business related to the payment.** \$147 million.
- 3. Intermediary.** Unnamed third parties designated by the foreign official.
- 4. The foreign official.** Official for a subsidiary of the National Iranian Oil Company and for an engineering company majority-owned and controlled by the Iranian government.

**Influence to be Obtained.** In 1995, to secure a contract with NIOC to develop oil and gas fields in Iranian territorial waters, Total met with an Iranian official to discuss unlawful payments to an intermediary whom the official designated. Total then entered into an agreement with the intermediary, which provided that the parties would execute "Consulting Service Requests," which were to detail Total's bribe payments at the direction of the Iranian official. Total paid approximately \$16 million to the intermediary in connection with the scheme.

In 1997, in connection with the development of another gas field in Iran, Total entered into a second consulting agreement, this time with a second intermediary, who was also designated by the Iranian official. In September 1997, NIOC granted Total a 40% interest in developing the field and, over the next seven years, Total paid approximately \$44 million at the Iranian official's direction to accounts designated by the second intermediary. Total characterized these payments as "business development expenses."

**Enforcement.** On May 29, 2013, the DOJ filed a criminal information charging Total with conspiracy to violate the FCPA and with violations of the books and records and internal controls provisions of the FCPA. On the same day, Total entered into a deferred prosecution agreement with the DOJ, pursuant to which the company paid a \$245.2 million penalty and agreed to appoint an independent compliance monitor for three years.

<http://www.shearman.com/~media/Files/NewsInsights/Publications/۲۰۱۵/۰۱/Recent-Trends-and-Patterns-FCPA-Digest-FCPA-LT-۰۱۰۵۱۵.pdf>



۲. سایت استار، "ابتکار برای احیاء دارایی های دزدیده شده" کار مشترک بانک جهانی و نهاد مربوط به مبارزه با مواد مخدر و جرائم سازمان ملل است:

<http://star.worldbank.org/corruption->

[cases/node/۲۰۴۷۴](http://star.worldbank.org/corruption-cases/node/۲۰۴۷۴)<sup>۱۴</sup>

<http://star.worldbank.org/corruption-cases/node/۲۰۴۷۵>

۳. سازمان شفافیت بین المللی، بزرگترین سازمان مردم نهاد جهان در امر مبارزه با فساد(پیوست ۷):



TI(۲۰۰۷), "PROGRESS REPORT · ۷, Enforcement of the OECD Convention on Combating Bribery of Foreign Public Officials", ۱۸ July ۲۰۰۷, pp: ۳۰

[http://www.transparency.de/fileadmin/pdfs/Themen/Internationales/TI\\_Progress\\_Report\\_۱۸.۷.۰۷.pdf](http://www.transparency.de/fileadmin/pdfs/Themen/Internationales/TI_Progress_Report_۱۸.۷.۰۷.pdf)

TI(۲۰۱۳), "EXPORTING CORRUPTION PROGRESS REPORT ۲۰۱۳: ASSESSING ENFORCEMENT OF THE OECD CONVENTION ON COMBATING FOREIGN BRIBERY", pp: ۳۹

جناب آقای دادستان کل!

توجه به موضوعات مهم دیگر نیز ضروری است:

نخست آن که در باره خیانت فنی توتال گزارش های زیادی از منابع تخصصی منتقد وجود دارد. اینان نکات فنی دقیقی را ارائه میکنند که نشان می دهد توتال به عمد فاز ۲ و ۳ پارس جنوبی را دور از مرز بین ما و قطر و در منطقه ای اجرا کرده است که طی ۱۰ سال استحصال گاز از لایه های غیر مشترک انجام شده است.

ثانیا در حال حاضر شرکت توتال در طرف قطری میدان پارس جنوبی به عنوان پیمانکار حضور دارد. حضور این شرکت همزمان در ایران به معنای دسترسی توتال به اطلاعات میدان در طرف ایران است. با توجه به اینکه قرارداد این شرکت در قطر، بلند مدت و از نوع مشارکت در تولید است که توتال را شریک در مالکیت محصول تولیدی

<sup>۱۴</sup> " Total corruptly made approximately \$1۰ million in bribe payments under the agreements for the purpose of inducing the Iranian official to use his influence in connection with Total's efforts to obtain and retain lucrative oil rights in the Sirri A and E and South Pars oil and gas fields. Total mischaracterized the unlawful payments as "business development expenses" when they were, in fact, bribes designed to corruptly influence a foreign official. Further, Total failed to implement effective internal accounting controls, permitting the consulting agreements' true nature and true participants to be concealed and thereby failing to maintain accountability for assets." (Source: US DOJ Press Release, "French Oil and Gas Company, TOTAL, S.A., charged in the United States and France in connection with an international bribery scheme," May ۲۹, ۲۰۱۳.)

می کند و برای پیمانکار جذاب تر است؛ این سوال مطرح می شود که چرا وزارت نفت، پیمانکار حاضر در طرف قطری را برای توسعه این میدان در نظر گرفته است؟ بدیهی است که با توجه به جذابیت بالاتر قرارداد توتال در قطر، این شرکت از اطلاعات کسب شده در طرف ایران، برای بهبود تولید در سمت قطر می تواند استفاده کند که به این به معنای کاهش سهم ایران از گاز این میدان مشترک است.

ثالثا سابقا همین فاز ۱۱ میدان پارس جنوبی به توتال واگذار شده بود که در آن مقطع توتال تعلل کرد و نهایتا برای این پروژه اقدامی نکرد. نتیجه این موضوع عقب افتادگی جمهوری اسلامی ایران در مرزی ترین فاز های میدان پارس جنوبی از قطر شد که این تعلل موجب کاهش فشار گاز در این فاز شده است. به گفته مدیر عامل شرکت نفت و گاز پارس (شرکت تابعه شرکت ملی نفت) در این پروژه پس از سه سال تولید، نیاز به سکوی تقویت فشار گاز است.

رابعا بررسی عملکرد توتال در قرارداد بیع متقابل میدان سیری A و E نشان می دهد که میزان تولید از میدان هیچ گاه به مقدار وعده شده در قرارداد نرسیده است و در سال های بعد همین تولید محقق شده نیز با افت شدید مواجه بوده است. در واقع این میادین توان تولید وعده داده شده را نداشتند. البته وزارت نفت به مثابه وکیل مدافع توتال پاسخ میدهد و همواره از سلامت و توانایی توتال و صف شکن بودن توتال حرف میزند. مثلا:

آقای وزیر در مراسم امضای HOA با کنسرسیومی به رهبری توتال برای فاز ۱۱ پارس جنوبی عنوان کردند: از توتال متشکریم که دوباره وارد بخش نفت ایران شد و باید بگویم توتال همیشه در بخش نفت ایران پیشتاز بوده و در شرایط سختی کار کرده است<sup>۱۵</sup>.

همچنین در اجرای الگوی قرارداد های نفتی، مدتها پیش از تصویب نهایی الگو در مهر ۱۳۹۵، مذاکرات با توتال برای واگذاری میدان نفتی آزادگان آغاز شده بود و با اصرار زایدالوصفی این هدف دنبال شد تا آنکه اعتراضات منتقدان بالا گرفت. در نتیجه موقتا دست از آن سماجت تعجب آور کشیدند و از واگذاری فاز ۱۱ پارس جنوبی آغاز کردند.<sup>۱۶</sup>

پرسش های بسیار جدی وجود دارد که پاسخ میخواهد. آنها را وزیر نفت و همکاران دیروز و امروزش باید پاسخ دهند و اگر استنکاف بوزرند دستگاه قضا باید از آنها و دستگاههای اطلاعاتی پاسخ بخواهد. از جمله این پرسش ها:

<sup>۱۵</sup> <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۵۰۸۱۸۰۰۰۹۶۷>

<sup>۱۶</sup> نامه مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۲۷ احمد توکلی به نمایندگی جمعی از منتقدان به ملت شریف ایران، سران قوا و مسئولان بلند پایه کشور

<http://daad.ir/?p=۹۴۷۱> و سایر رسانه ها

۱. آقای مهندس زنگنه از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ (۱۹۹۷-۲۰۰۵) وزیر نفت بوده است. رشوه خواری مقام نفتی خائن از خرداد ۱۳۷۴ تا آذر ۱۳۸۳ (۱۳۹۵-۲۰۰۴) ادامه داشته است. یعنی عمدتاً در دوره صدارت مهندس زنگنه، میشود احتمال داد که وزیر بی اطلاع بود، حراست چه میکرد؟ اگر حراست هم نمیدانست و یا میدانست و به وزیر نمی گفت، در هر دو صورت، مسئولیت بر عهده وزیر است و باید پاسخگو باشد. در همین دوره وقتی وزیر نفت مسئولیت مقام نفتی خائن را در اوائل سال ۲۰۰۱ (اواخر ۱۳۷۹) تغییر میدهد، از وزارت اطلاعات استعلام نکرد؟ یا وزارت اطلاعات کتمان کرد و یا گفت و اعتنا نشد؟ آقای مهندس زنگنه از سال ۲۰۱۳ تا کنون وزیر بوده است، از این همه اطلاعات و اخبار منتشر شده در سایت های معروف تجاری نفتی بی خبر بوده است؟ آیا برای دادن امتیازهایی به بزرگی واگذاری میدان آزادگان یا فاز ۱۱ پارس جنوبی به توتال، نباید لاقلاً یکبار در گوگل توتال را جستجو میکرد؟ اگر او و همکارانشان این حقایق را نمیدانند، و اوایل! و اگر میدانند و اصرار میکنند باید انگیزه خویش را شفاف سازند.
۲. البته این تسامح و جانبداری در ماجرای رسوایی مهدی هاشمی در رشوه خواری استات اوایل از این دو وزارتخانه دیده شده است:

« در تاریخ ۱۳۸۲/۸/۲۴ وزیر نفت ایران به وزیر اقتصاد وقت می نویسد: به دنبال انتشار مطالبی در روزنامه های نروژ، در اواسط شهریور هیاتی از طرف این وزارت به نروژ رفت و با وزیر نفت، دادستان عمومی نروژ و مدیران ارشد شرکت استات اوایل طی جلسات طولانی گفتگو کرد. وی در ادامه مینویسد " بر اساس اظهارات مدیران استات اوایل نقش مهدی هاشمی قطعی است." و در انتها، اعلام می کند که پرونده به طور کامل در اختیار وزارت اطلاعات قرار گرفته است.

آقای یونسی، وزیر اطلاعات وقت در گزارش به رئیس جمهور می نویسد که ۹ ملاقات بین مهدی هاشمی و استات اوایل در اینجا و خارج از کشور انجام شده است و از قول مهدی هاشمی نقل می کند که من می خواستم نروژیها را تشویق کنم که در عرصه پارس جنوبی فعال شوند! وزیر اطلاعات اضافه میکند این ماجرا را نروژ و آمریکا برای لطمه زدن به هاشمی رفسنجانی ساخته اند. وزارت اطلاعات همچنین مدعی می شود که ماجرا به این دلیل به مهدی هاشمی ارتباط داده شده که فساد درونی استات اوایل پوشانده شود. در حالیکه نروژ پنجمین کشور جهان از حیث سلامت مالی است.<sup>۱۷</sup>

۳. کسانی که ادعای دین و اخلاق در اداره جامعه خود ندارند، آن همه مجازات برای توتال قائل شدند، آن هم نه برای خیانت به فرانسه یا آمریکا، بلکه به خاطر نقض قانون برای جلب سود بیشتر به کشورش. ما با آن مقام ایرانی که از راه وطن فروشی و خیانت به مردمش به مال اندوزی پرداخت چه کردیم؟ کشف نام کسی که در زمان خاصی رئیس یک شرکت مهندسی تابع شرکت نفت با مالکیت ۹۰ درصدی دولت،

<sup>۱۷</sup> بخشی از نطق احمد توکلی در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۴ مجلس شورای اسلامی

بوده است و از اوائل سال ۲۰۰۱ یعنی از اواخر سال ۱۳۷۹ به عنوان مدیرعامل سازمانی مربوط به مصرف بهینه سوخت نصب میشود، خیلی دشوار است؟

۴. آیا آن مقام نفتی به تنهایی آن خیانت را مرتکب شد یا در وزارت نفت کسانی به وی کمک کردند؟ آن مقام نفتی الان کجاست؟ همکاران احتمالی وی الان چه سمتی دارند؟

### جناب آقای دادستان کل کشور!

دقت در حقایق مستند ارائه شده، اصرار به واگذاری میدان آزادگان در حالی که ظرفیت داخلی وجود دارد، واگذاری فاز ۱۱ میدان پارس جنوبی با ترک تشریفات مناقصه و بی پاسخ گذاشتن موضوع فساد توتال و حتی دفاع از این شرکت مفسد، نزد هر دادرسی سوء ظن برانگیز است، چه رسد به جنابعالی با سوابق قابل تقدیر. انتظار این است که پیش از امضای هر قراردادی با توتال فاسد و مفسد، از سلامت فرایند در این مرحله از بازگشت توتال به صنعت نفت کشور اطمینان حاصل شود. طبیعی است که رسیدن به این مقصود باید از تعقیب همان مقام نفتی خائن آغاز گردد. انتظار این است که وظیفه مذکور در مواد اشاره شده در صدر نامه انجام گیرد.

"دیده بان شفافیت و عدالت" این درخواست را بر اساس بند (چ) ماده (۴) آیین نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمانهای غیر دولتی، مصوب جلسه ۱۳۸۴/۰۳/۲۹ هیئت وزیران که «حق دادخواهی در مراجع قضایی و شبه قضایی» را از حقوق سازمانهای مردم نهاد میشمرد، همچنین بر اساس ماده ۱۶ همان مصوبه که به دیده بان حق میدهد «برای حمایت از منافع عمومی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مراجع قضایی اقامه دعوا نماید»، تقدیم کرده است.

احمد توکلی

رئیس هیئت مدیره سازمان مردم نهاد

دیده بان شفافیت و عدالت